



آریائی

www.ariaye.com

what ariaye site is about

NEWS

REVIEWS

EVENTS

FEATURES

افغانستان پس از سال 2014

عبدالواحد خرم – دهلی جدید

بر مبنای توافقات میان افغانستان و ایالات متحده امریکادر سال 2014 نیروهای ناتو کاهش یافته و سرانجام خروج کلی آنها صورت می گیرد، واضیحا چنین روند انتقال با ابعاد سیاسی، امنیتی، اقتصادی و منطقی آن تأثیرات سرنوشت ساز بر آینده کوتاه مدت و دراز مدت در افغانستان خواهد داشت .

گرچه امریکا در نظر دارد سایر ممالک خارجی افغانستان را ترک گویند و خود در شش زون مختلف افغانستان با تعداد هنگفتی نیرو نظامی اش در عقب جبهه تا 2024 باقی بماند تا در جریان ده سال آینده بنابر تصامیم اتخاذ شده در جلسه شیکاگو مورخ می 2012 نیروهای امنیتی افغانستان تقویه گردد. قرار است پس از خروج کامل نیروهای نظامی ناتو مسولیت امنیت به نیروهای امنیتی افغان سپرده شود و انتخابات ریاست جمهوری مطابق قانون اساسی افغانستان برگزار گردد.

هویدا است که با کاهش تدریجی حضور خارجیان بازار خدمات کوچکتر شده و فرصت های شغلی برای وابستگان غرب که امتیازات بسا بلندی دارند محدود می گردد گرچه شکل دهی حرکات مخالفین دولت و پیشرفت پروسه صلح تاجایی وابسته به تصامیم دول ذینفع به شمول پاکستان و ایران می باشد اما خروج قوای بیگانه جواب مثبت در برابر بهانه ها شده می تواند افزون بران مردم افغانستان، پاکستان و ایران در چنین موضوعات در سرگمی زنده گی دارند.

بدر نظر داشت این چالش ها افغانستان در یک مرحله آزمون جدید تاریخی قرار دارد. مسلمانین وضع خطیر دفعتا ایجاد نشده بلکه ناشی از نوع برخورد نا سنجیده شده و خوش باورانه جامعه بین المللی و منفعت جویی گروهی و شخصی رهبران افغانستان حتی در مسایل عمده سیاسی، ملی و منطقی بوده است.

در مرحله کنونی در پی تلاش های ناهماهنگ و هزینه نا کافی قرارداری که از طرف جامعه جهانی در امر بازسازی و تقویه اردوی ملی شکل گرفته است عده از کشورهای صادقانه در مبارزه علیه تروریسم اشتراک نمی ورزند.

برخی کشور ها بجای فکر سالم در مورد افغانستان مصروف رقابت های درونی میان خود اند بعضا با دیپلوماسی های جداگانه رفتار می کنند این بی تفاوتی ها در مجموع باعث مداخله بیشتر پاکستان و ایران در امور داخلی افغانستان گردیده است برای حکومت مافیایی پاکستان این مرکز تشکل تروریسم و هیروبیوم امریکا ماه دسامبر 2012 علاوه بر ملاقات به رهبران ای اس ای وعده کمک 60 میلیارد دالر رانیز نموده است .



امریکا – واشنگتن دی سی ، می 2012 سیمینار نیسا

از تدویر جلسه بن در سال 2001 میلادی تاکنون تناسب منطقی بین اهداف باز سازی و وسایل توصل به ان وجود نداشت و وعده های بازسازی به اساس پلان مارشال خیال ببیش نبوده و تلاش های پراکنده دولت سازی با هزینه نا کافی در یک فضای بی ثبات و ناامن خود ایجاد نموده نتوانست با شرایط واقعی و چالش های موجود هماهنگ ساخته شود .



شهر هامبورگ – جرمنی، جون 2013

پروسه ناقص دولت سازی از دیدنیروی نظامی امریکا، توسعه عملیات نظامی و به کارگیری ستراتیژی کلاسیک به اصطلاح ضد شورش در سالهای 2009 و 2010 دنبال شد طوریکه تاریخ نشان داده است موفقیت چنین ستراتیژی به حوصله و زمان کافی بستگی دارد و دیده شد که فشار داخلی و کاهش امکانات ملی در امریکاوسایر کشور های ناتو پشتیبانی از دوام چنین ستراتیژی که برای رسیدن به هدف نیازمند زمان است، کاهش یافت ومنجر به نقشه خروج قوای نظامی ناتو از افغانستان تا سال 2014 گردید.

مسلمانیروی نظامی خارجی بالا خره باید با ایجاب شرایط از افغانستان بیرون رود اما تعیین تاریخ قطعی این خروج در شرایط دوام شورش وسرنوشت نا معلوم پروسه صلح معمولاً سبب می شود که قوای شورشی وحامیان خارجی آنها روش انتظار وفرصت جویی وسیاست حفظ ماتقدم را اختیار نمایند ، این وضع نه تنها می تواند جنگ را طولانی سازد بلکه بسیج نیروهای داخلی برای مقابله با پیامد های مجهول بعد ازخروج نیروهای خارجی رانیز با موانع سیاسی،امنیتی وروانی مواجه می سازد .

در افغانستان رهبران ومسولین سیاسی فرصت های خوبی را ازدست دادند و نتوانستند به خاطر مصالح علیای کشور از منافع شخصی،گروهی، قومی وتنظیمی خود بگذرند ومتحدانه در راه اعمار نهاد های ملی تلاش نمایند طوریکه انتخابات دور دوم ریاست جمهوری نشان داد کاندیدان پست ریاست جمهوری که ابتدا 32 نفر بودند تعداد زیادی شان بخاطر منصب گیری با آقای کرزی معامله کردند وگفتنی اند که شخص دوم داکتر عبدالله نیز مبارزه راتا آخر خط به پیش نبرد وداکتر اشرف غنی احمد زی پس ازداکتر رمضان بشردوست شخص چهارم حساب می شد وبا اخذ 360000 رای در سالهای اخیربه حیث رییس کمیسیون انتقال مسولیت ازنیروی های نظامی ناتوبه نیروهای امنیتی افغان اجرای وظیفه می دارد در حالیکه در هنگام کمپاین انتخاباتی اش طرح های خوبی برای اردو داشت ویگانه حریف ومشکلات در حکومت داری سالم موجودیت آقای کرزی را در راس زمامداری افغانستان می پنداشت.ناگفته نباید گذاشت که در دو دورانتخابات ریاست جمهوری،پارلمانی وشوراهای ولایتی آنقدر اراده وتصمیم مردم مطرح نبوده وافراد دلخواه حکومت وخارجیان به گونه های مختلف در رهبری کشور وپارلمان جاگزین گشتند.

رهبران در افغانستان از حاکمیت قانون حمایت نکردند وبجای تقویه وتوسعه نهاد های دولتی پیوسته تلاش ورزیدند تا نفوذ شخصی خود راتحکیم بخشند که در نتیجه نهاد های سیاسی، امنیتی، اقتصادی وفرهنگی دولت به فقدان توامیت ملی وتمامیت مسلکی مواجه گردید ودر ضمن آن کمک های خارجی بسوی سیاسی شوی شتافت و در انحصار قدرتمندان داخلی وحامیان خارجی آنها قرار گرفت . این وضع زمینه را برای مافیایی شدن فعالیت های سیاسی،اقتصادی وحکومت داری مساعد ساخت. فساد اداری، قانون شکنی، توسعه نا امنی، بی عدالتی وکاهش گسترده کنترل دولت محصول همین وضع نا مطلوب است . تا زمانیکه این وضع تغیر نیابد بی ثباتی در کشور ادامه خواهد داشت .



شهر لندن در مقابل پارلمان انگلستان، می 2013

بنابراین بستر ستراتیژیک پروسه انتقال دارای ابعاد گوناگون است. تعاملات ذات البینی میان دولت افغانستان، مخالفین مسلح، قوای نظامی بین المللی به رهبری ایالات متحده امریکا وسایر نیروهای داخلی و خارجی که بطور مستقیم یا غیر مستقیم با این سه جانب درگیر متعهد هستند آینده افغانستان را من حیث یک دولت ویک ساحه جغرافیای که بلقوه قادر به جلوگیری ویا دوام بی ثباتی باشد تعیین می دارد . فلذا انتقال مسولیت نظامی – امنیتی در سال 2014 بدون اصلاحات اساسی در دولت وقانون پذیری اشخاص ونیروهای صلح وثبات را درکشور تضمین کرده نمی توانند.

راه حصول صلح وامنیت پایدار در افغانستان نیاز مند یک تغیر بنیادی در نحو حکومت داری با در نظر داشت تجارب تلخ و اشتباهات گذشته وتوسعه نهاد های دولت مبرا از نفوذ زور مندان وسردمداران داخلی ومداخلات خارجی با اشتراک گسترده مردم افغانستان در تصامیم ملی وتامین امنیت بشری وحاکمیت قانون است .با درنظر داشت دینامیزم سیاسی وامنیتی در کشور ومنطقه،عملیه انتقال چند بعدی، پیچیده وپر ازفراز ونشیب ها خواهد بود.

توصل به این آرمان های ملی در گام نخستین مستلزم ایجاد شرایط مساعد برای تحقق پذیرفتن دیدگاه کوتاه مدت در پایان دوره انتقال است . ایجاد چنین شرایط به عوامل آتی بستگی دارد :

- 1- نیروهای ملی امنیتی افغانستان باید ظرفیتی را کسب کنند که آنها را قادر سازد که بطور مستقلانه ویا به کمک نیروهای محدود خارجی باقیمانده در پایگاه های نظامی امریکا در افغانستان با چالش ها و تهدیدات امنیتی مقابله کرده بتواند ودر این صورت لازم می افتد حداقل اردوی افغانستان از نقطه نظر طیاره ، تانک و اسلحه ثقیله توپچی مدرن اکمال گردیده ومسولیت سرحدات کشور به عهده اردو گذاشته شود واز لحاظ کمیت نه تنها اینکه کاهش یابد برعکس به 250000تن برسد.
- 2- روند صلح و اشتهی ملی تاحدی پیشرفت نماید که باعث پایین آمدن سطح تهدیدات امنیتی گردد ، ترکیب شورا تغیر نماید از مورثی بودن ومصلحت بینی نجات یابد .
- 3- پناه گاه های مخالفین مسلح در پاکستان مسدود گردد وجامعه جهانی در مورد پاکستان را کمک بدارد ویا حد اقل به اردو افغانستان اختیار دهد تا القاعده وتروریست ها راتعقیب داغ نموده در لانه های شان نابود نمایند .
- 4- در تطبیق اصلاحات سیاسی وحکومت داری که دولت افغانستان در چهار چوب طرح انتقال وعده سپرده است پیشرفت بعمل آید ودر نتیجه انتخابات آزاد وشفاف انتقال قدرت بطور مسالمت آمیز ودموکراتیک به اداره جدید صورت گیرد.

بنابراین طی دو سال آینده روند انتقال در چهار جهت مرتبط بهم در جریان خواهد بود:

- 1- انتقال مسولیت امنیتی
- 2- انتقال پروسه سیاسی به شمول انتخابات ریاست جمهوری
- 3- وضع اقتصادی مردم
- 4- روند مذاکرات با مخالفین مسلح



مرکز تعلیمی نظامی کابل ، 16 می 2012

چون موضوع دوم وسوم مربوط وضعیت داخلی و تا جایی متعلق به زمامدارن کشور است بالای آن تاکید بیشتر صورت نمیگیرد ولی قصد دارم موضوعات اولی و چارمی راکمی به تحلیل بکشانم زیرا در این بحث ها پای کشور های خارجی ، همسایگان و همسایگان دورتر مانند چین ، هند ، روسیه و ترکیه نیز دخیل است.

امنیت مهم ترین اولویت در راستای ساختن یک حکومت با ثبات و موفق در افغانستان است. همچنان امنیت ما تقدم توسعه سیاسی، رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در هر کشور می باشد. امنیت تنها با امن کردن دولت خلاصه نمی شود و به دست نمی آید، بلکه تهدید های امنیتی که زنده گی شهروندان را در سطح وسیعی به خطر انداخته است باید رفع شود. توجه نیروهای ملی امنیتی و جامعه بین المللی در امر مبارزه باشورش و تروریسم نباید تهدیدهای راکه از شبکه های جنایت کار محلی و قاچاق چیان مواد مخدر و مدیران فاسد محلی ناشی می شود تحت شعاع قرار بدهد ، چونکه این تهدید ها بیشتر از خشونت شورشیان به پیکر اجتماع آسیب می رساند دولت باید تهدید های متنوع امنیتی چون

تروریزم، شورش، تفرقه، جنایات ساز مان یافته، و فساد رسمی اداری را هدف قرار دهد تا آنچه امنیت بشری خوانده می شود تامین گردد .

لازم است دست آورد های امنیتی توسط حکومت داری خوب پایدار گردد و حکومت داری از طریق توسعه اقتصادی نیرومند و غنی ساخته شود . بنابراین امنیت یک پروسه چند وجهی است که تمام پایه های توسعه و انکشاف یک کشور مبتنی بر آن باشد و تنها با مفاصد و استراتیژی های نظامی قابل حصول نیست، بلکه حکومت داری مناسب، تامین عدالت اجتماعی، توجه به حاکمیت قانون و پاسخگویی به نیازمندی های روزمره کشور از مقتضیات آن است .

ستراتیژی انتقال مسولیت امنیت به قوای امنیتی افغانستان در 2014 با محاسبه تقلیل فعالیت شورشیان از طریق عملیات نظامی و بالوسيله کشاندن آنان به مذاکره، توسعه همزمان نیروهای ملی امنیتی افغانستان و بدین ترتیب ایجاد شرایط برای خروج قوای خارجی از کشور در 2014 بنا یافته است .



شهر پاریس - فرانسه ، 8 جون سال 2013 برج ایفل

بنابراین فراهم آوردن شرایط لازم برای امنیت در دراز مدت مقتضی ایجاد و توسعه قوای امنیتی مسلکی، منسجم و پایدار، موثر و خود کفا می باشد. عملیات مشترک نظامی نیروهای امنیتی افغانستان و ناتو طی سه سال گذشته فعالیت شورشیان را در برخی محلات کلیدی در جنوب کشور کند ساخته است و ضمناً طی سه سال گذشته با بکارگیری هزینه کافی توسط ایالات متحده امریکا و توظيف هزاران مربی خارجی پیشرفت قابل ملاحظه در تعداد و تجهیزات نیروهای اردو و پولیس افغانستان بعمل آمده است. هر چند این دست آوردها چشمگیر اند غیر قابل برگشت نیستند. تقلیل قوای نظامی در مناطقی که از شورشیان پاک شده باعث برگشت شورشیان شده می تواند زیرا پولیسهای محلی در خطوط اول از حرکات شورشیان جلوگیری کرده نمی توانند و درعین زمان توسعه کمیتی نیروهای امنیتی افغانستان بدون انکشاف کیفیت مسلکی، وسایل و تجهیزات کافی زمینی و هوایی، ایجاد سیستم موثر و پایدار لوژستیک و تقویت روحیه و انگیزه ملی نمی تواند انتقال موفقانه مسولیت امنیتی را تضمین کند.

دولت افغانستان خواهان نیروی 352000 ملی امنیتی می باشد، اما انکشاف ظرفیت مسلکی آنها زمان بیشتر می خواهد. یک عده چالش های عمده در راه انکشاف نیروهای امنیتی کشور قرار دارد. توصل به اهداف انتقال امنیتی مستلزم مقابله موثر با این چالش ها بدون مقید ساختن آن به زمان معین می باشد:

اولاً لازم است ظرفیت حرفوی نیروهای امنیتی در هم آهنگی با مقتضیات مبارزه با شورش بلند برده شود یعنی توسعه ظرفیت های مسلکی همزمان با فعالیت نظامی بعمل آید. این کار به تلاش خلاقانه و رهبری مدبرانه نیاز دارد و زمانگیر است. در شرایط کنونی توسعه قوای امنیتی بیشتر بر ایجاد ظرفیت های صنوف محاروبی متمرکز شده است و هنوز صنوف حمایه محاروبی و حمایه لوژستیک در مراحل ابتدایی انکشاف قرار دارند و از این رو قوای امنیتی افغانستان از نظر حمایه اتشی، پشتیبانی قوای هوایی و حمایه لوژستیک متکی به کمک قوای خارجی اند. مزید بر آن روند توسعه قوای امنیتی به چگونگی توسعه سایر نهاد های دولت بستگی دارد.

ثانیاً اگرچه تناسب قومی در ترکیب نیروهای امنیتی ظاهراً تا حدود زیادی از وابستگان رهبران بر مبنای تعلقیت خویشاوندی و تنظیمی رعایت شده است چنین دخالت متنفذین و اجاره داران کنونی قومی و تیکه داران سابق دینی که متعهد به منافع قومی و گروهی از داخل و خارج دولت در جابجایی کدر ها، قوای مسلح را ترکیب تنظیمی بخشیده و در حقیقت ترکیب ملی را خدشه دار و بی عدالتی را بار آورده است.

چنین وضعیت هم آهنگی مسلکی و یک پارچگی نیروهای امنیتی را مخصوصاً در شرایط کنونی صدمه زده است.

موجودیت و فعالیت افراد و گروه های مسلح غیرقانونی وابسته به زورمندان داخلی به هر عنوان که باشد سد راه توسعه نهاد های قانونی امنیتی واقع می شود.

نقش پولیس در مبارزه با شورش در تباین با آنچه در قانون 2005 پولیس و استراتیژی انکشاف ملی و استراتیژی نظامی تعریف شده است، قرار دارد.

پولیس افغان با امکانات محدود باشورشیان در گیر مبارزه مسلحانه است و بیشتر از اردو متحمل تلفات می شود و تا اندازه دشمنان حکومت کنونی به نفع کشور های همسایه در صفوف نیروهای امنیتی فعالیت دارند. شک نیست که پولیس موثرترین نیروی مبارزه با شورش و تروریزم است اما نه از طریق اجرای عملیات جنگی، موثریت پولیس در مبارزه با شورش و تروریزم مبتنی بر جلب اعتماد و همکاری مردم است که از راه حفظ حقوق شهر و ندان و محافظت ملکیت شخصی و دارایی عامه حاصل می گردد. در چنین فضای همکاریست که امکان فعالیت برای شورشیان و تروریستان محدود می شود.



شهر ایدیمبوری – سویدن 4 جون 2013

یکی از چالش های عمده امکانات تمویل قوای امنیتی در دراز مدت است. انتظار نه می رود که عواید داخلی تا ده سال دیگر مصارف قوای امنیتی کشور را بطور کلی تامین نماید وبنابر آن تا آزمون کمک مالی خارجی ضروری خواهد بود اما مشروط به آنکه دوروی سکه نباشد. قطع شدن ویا محدود شدن چنین کمک ها و تنها گذاشتن افغانستان بر تمامیت و فعالیت قوای امنیتی اثر ناگوار دارد وحتی پس از

2014 و در دراز مدت ایجاب می کند که نظام نیروهای امنیتی، ساختار و حجم آنها با در نظر داشت سطح تهدید، امکانات مالی و وضع عمومی سیاسی و امنیتی در داخل و خارج کشور مورد باز نگری و تنظیم مجدد قرار گیرد .

نیروهای امنیتی ملی افغانستان از دکترین نظامی که عبارت از مجموعه نظریات، میتود ها و طرز و روش تاکتیکی اپراتیوی بخاطر توانمندی شان جهت نیل به اهداف استراتژییک می باشد، تعریف درست ندارند .

بایرون شدن قوای خارجی از افغانستان در سال 2014 یک خلای ممکنه بین سطح تهدید امنیت و توانمندی احتمالی مقابله با آن بوجود آمده می تواند. بنابراین حصول موافقه با مخالفین مسلح دولت که مورد قبول مردم افغانستان باشد و یا حد اقل پیشرفت در عملیه صلح که به تقلیل خشونت به انجامد در پر کردن این خلا موثر بوده می تواند.

ایجاد شرایط صلح پایدار، مشروع و مورد قبول همه طرف های در گیر به پیشرفت چشمگیر در وضعیت واقعی نظامی، توجه به عوامل نارضایتی مردم در داخل کشور، حکومت داری موثر و همکاری کشور های منطقه مخصوصا پاکستان که پناهگاه های شورشیان را در خاک خود جاداده و از همین محلات پاکستان موادمخدر توسط تروریستان انتقال یافته و به آسیای میانه راه می یابد بستگی دارد.

ایجاد چنین شرایط به اقدامات هما هنگ نظامی، سیاسی و دیپلماتیکی در داخل افغانستان و به کمک صادقانه جامعه بین المللی نیازمنداست .

ایجادیک فضای مساعد سیاسی- ستراتیژیک در افغانستان و منطقه شرط اساسی برای آغاز روند صلح از طریق گفتگوی ثمر بخش با طالبان است .

ایجادچنین فضا مستلزم تقویه نفوذ دولت در مناطق بی ثبات توسط اداره موثر و مورد اعتماد مردم و ادغام ستراتیژی نظامی و سیاسی در یک تلاش راهبردی واحد و به کار بردن هم آهنگ توسط تمام وسایل ممکن است .

در فرجام دست آورد های نظامی باید زمینه مساعد را جهت ایجاد یک اداره سالم و حکومت داری غیر فاسد و خد مت گار به مردم مساعد سازد تا به وسیله آن مردم همکار دولت شوند و جاذبه شورش بیرنگ گردد.

با وصف تلاش های فزاینده بین المللی برای جستجوی حل سیاسی بحران افغانستان، اقدامات بازیگران داخلی و خارجی در این راه تا کنون غیر هدمند، متفرق، غیر شفاف و ناهم آهنگ بوده است.



شهر هراری – زیمبابوی قاره افریقا می سال 2013

افغانستان در حدود 35 میلیون نفوس دارد عاید سرانه فی نفر در سال به 900 دالر امریکایی می رسد. بیکاری، فقر و گرسنگی دامنگیر مردم این سرزمین است. با وجود سرا زیر شدن ملیارد ها دالر به کابل و ولایات 9 میلیون افغان در زیر خط فقر زنده گی دارد با در نظر داشت این همه ستراتیژی ذیل را در سیاست آینده افغانستان پیشنهاد دارم:

- سکتور امنیتی کشور تقویه گرددتا بعد از 2014 بتوانند وظایف خود را مستقلانه انجام دهند.
- فساد در سراسر افغانستان ریشه کن گردد
- اصل شایستگی معیار قرار داده شودمسایل قومی، محلی، تنظیمی، زبانی، نژادی و غیره در تقرر کادر ها در نظر گرفته نشود.
- اصلاحات تشکیلاتی صورت گیرد.
- زمینه رشد و توسعه فراهم گردد.
- تنظیم و استفاده درست و مناسب از منابع طبیعی انجام یابد.
- تنظیم و اداره آب و آبیاری به درستی ساز ماندهی گردد.
- توجه به مالداري، زمین داری و علفچر ها صورت گیرد.
- حفظ محیط زیست و احیای مجدد جنگلات در اولویت های کاری قرار داده شود.
- به باغداری و احیا مجدد ان توجه گردد.

- مسایل و تزنری، تربیت حیوانی و صحت حیوانی کنترل گردد .
- ایجاد فارم های تولیدی به مقیاس کوچک عملی شود .
- موثریت تولیدات افزایش یابد .
- جلوگیری از کشت کوکنار در بدیل دادن امتیازات به دهاقین کشور جنبه عملی پوشد .

15 جون 2013